گزارش خبر
NEWSREPORT

کد خبر: ۴۵۶۸۴۱
چهارشنبه ۱ تیر ۱۴۰۱ ۶:۲۹

یادداشتی از علیرضا حسینی؛

نگاهی به فیلم کوتاهِ خنده ی بی دلیل گوزن ها

فیلم با نمایِ شاهکاری آغاز میشود، نمایی که نوید دیدن یک اثر خوب را میدهد.

به گزارش خبر،علیرضا حسینی در یادداشت ارسالی با موضوع "نگاهی به فیلم کوتاهِ خنده ی بی دلیل گوزن ها" به پایگاه خبری گزارش خبر آورده است؛
دیروز عصر در غروبی گرم از واپسین روزهای فصل بهار در سینما فرهنگ شیراز با تنی چند از دوستان سینماگر با حضور گرم و صمیمی سجاد ایمانی کارگردان اثر در قالبِ پاتوق فیلم کوتاه که به همت انجمن سینماجوانان دفتر فارس پس از مدت ها چراغش دوباره روشن شده، به تماشای آخرین فیلم کوتاه این کارگردانِ خوش ذوق و خوش آتیه نشسته و به جلسه ی نقد و بررسی به همراه پرسش و پاسخ این اثر گوش فرا دادیم، حال در این یادداشت بنا دارم مطالبی را عنوان کنم .
انسانی از بالای ابرها واردِ جهانی برزخ گون شد که فضایش نوید ورود به جهانی غیر از جهان واقع گرا را میداد و به درستی نیز فانتزی بهترین نام برای این جهان و این فضا بود و چقدر خوب که از دنیای واقعی فاصله گرفت اما یادمان باشد باور پذیری، معلول است و نه علت، معلول و محصول چیدمان و بافت صحیح تمامی عناصر موجود در یک اثر سینمایی، فارق از مکتبش، ساختارش و ژانرش. اگر این محصول، حاصل نشد یعنی یک جای کار میلنگد ...
رقص سماء، عارفانه هایی که بنا دارند چیزی را از بالا بگیرند و بر پهنه ی زمین نشر دهند، در کجا دیده میشوند؟ در پایین ترین نقطه ی کوه و شاخِ نمادینِ شیطان در کجاست؟ در بالاترین نقطه ای که مردگان خوابند و در آغار و انتهای اثر در نمای لانگ شاتی به حالت سیلوئت و بر فراز ابرها، این آرامکده ی سرد و موهوم به تصویر کشیده میشود .
این جانمایی با کلیت اثر در تضاد معنایی قرار دارد که از آن عبور میکنم .

باری، سینمای کوتاه محل استفاده از نماد است، زیرا فرصت اندک است و حرف ها شاید درشت و بسیار ، اما نماد، به شرطِهِ ها و شروطه ها ، در جای خود عالیست اما اگر خارج از بافت اثر استفاده شود، بزرگترین چیزی که به ارمغان می آورد، شلختگی در کلیتی است به نام سینما و اما روایت، سر و تهی دارد و بدنه ای، شخصیتهایی دارد و رویدادهایی ...
نیک میدانیم سینمای فیلم کوتاه شاید فرصتی برای شخصیت پردازی عمیق نداشته باشد اما در آنجا فعل شخصیتها، میزانسن و تکنیک است که باید ما را به رسیدن به محتوای ومعمای شخصیت نزدیک و نزدیکتر کند.
و اگر محورمان رویداد است و نه شخصیت، رویدادها نیز باید نقش خود را به خوبی ایفا کنند و خاصیتی برای اثر داشته باشند .
مرده ای که به تیر غیب دچار شده زنده میگردد، از آرامکده ای در میان ابرهای هبوط کرده و شبی را با همسرش سر خوش است و دوباره به همان تیر غیب دچار می آید ، آدمهایی به دلیلی به دنبال اویند، اما آن دلیل همراه اوست، پس به کجا چنین شبانان ، نمیدانیم ...
اگر بخشیده شده چرا دوباره تیر غیب و اگر بخشیده نشده ، چرا از گور در آمد که بخواهد دوباره همان آش و همان کاسه و سوالات بیشماری که میتوان از این اثر کوتاه سینمایی پرسید و جوابی برایش دریافت نکرد .
درس این زندگی از بهر ندانستن ماست، این همه درس بخوانیم و ندانیم که چه ؟
آری این زهر هلَاهِل به تشخیص هر روز بچشیم و به عزیزان بچشانیم که چه ؟

عیبش همه گفتی، هنرش نیز بگو ...
طراحی محیطی و مدیریت فضاسازی در مقوله ی ژانر، بازی گرفتن یک دست از بازیگران و نماها و ترکیب بندی نمره ی قابل قبولی میگیرد .